

## بازی الك دولك

بقلم جناب آقای علی اصغر حکمت

الك دولك یکی از بازیهای بسیار دیرین و کهن ایران است که در تمام شهرهای نجد ایران از دیر باز معمول و متداول بوده و هنوز نیز معروف است و چنانکه میدانیم کودکان و جوانان دوفضای آزاد مخصوصاً در فصل بهار و ایام تعطیل عید نوروز (بخصوص در سیزده بدر فروردین تعطیل عمومی ایرانیان) باین بازی شوق و رغبتی فراوان دارند و در آن که ورزشی مطبوع و دل پذیر است غالب اعضای بدن تمرین و ممارست میشوند و جهاز تنفسی و عضلات دست و بازو و پا و بهمین تناسب سایر قسمت های بدن ورزیده و محکم میشوند بعلاوه بسیاری از قوای دماغی نیز در این ورزش پرورش می یابند، حس تدقیق ذهن و توجه فکر ورزش باصره و تمرین حس انداز گیری مکان را بنوجوانان می آموزد و در عین حال بسیار مفرح و دل آویز است و جای آن دارد که مورد توجه معلمین و متخصصین فنی بازیهای پهلوانی و آموزگاران ورزش رزمیناستیک قرار گیرد و آنرا با مختصر اصلاحاتی که از لحاظ صحیح ضرورت دارد ترویج کنند.

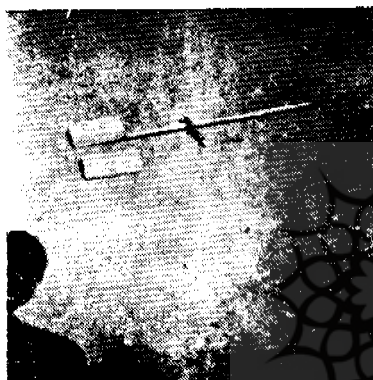
\*\*\*

قواعد و مقررات این بازی در قدیم هر چه بوده فعلاً آنچه متداول است با رسوم قدیمه اختلاف و تغییر فاحشی نیافته و ظاهراً عین همان اصول و قواعد که در ازمنه قدیمه نزد بازیکنان و جوانان ورزشکار متداول بوده هنوز نیز معمول میباشد.

اصول کلی و مقررات و قواعد و رسوم این بازی بطور خلاصه از این قرار است:

۱ - اسامی و اصطلاحات فنی این مقاله مطابق است با آنچه مابین بازیکنان در طهران معمول میباشد ولی در دیگر شهرها اسامی و اصطلاحات دیگر نیز برای همانها متداول است. در نگارش قواعد و مقررات این مقاله و تهیه عکسها آقای نصرالله قاسمی فارغ التحصیل دانشکده ادبیات که از جوانان هوشمند و فرزانه هستند نگارنده را یاری نموده و مرا ممنون زحمات خود ساخته اند.

الف - اساس این بازی بر روی دوچوب است یسکی بلند تر تقریباً بطول ۷۵ سانتیمتر دیگری کوچک و سبک بطول تقریباً ۱۲ الی ۱۵ سانتیمتر که دومی را «دولک» و اولی را «الک» مینامند و از نام این دوچوب نام بازی را اتخاذ کرده اند و جوانان ورزشکار چوبهای محکم و دیر شکن را بسیار قشنگ و ظریف تراشیده احياناً نقاشی و رنگی هم مینمایند و دوسرچوب کوچکتر یعنی الک را بصورت مخروطی و نوک دار می تراشند تا پرش آن سهل باشد (شکل ۱)



(شکل ۱)

ب - دوعده مساوی از بازیکنان و در صورت کم بودن يك طرف بطرف دیگر طوری اضافه میکنند که دو دسته حریف عده و عده مساوی گردند و معمولاً اصطلاحی در این مورد بکار میبرند و میگویند «يك بار در شکم» و این بار در شکم را مطابق زور و قوه حریفی که در قسمت دیگر بازی زیادی است

از بین بازیکنان طرف دیگر انتخاب میکنند و با حق دو بازی میدهند یکی برای خود دیگر برای مردی که آن عده کم دارد و فرضاً در «شکم» آنهاست، خلاصه طوری مینمایند که دو دسته بازیکنان حریف از حیث عدد و قوت مساوی باشند و پس از تنظیم و ترتیب عده چنانکه در عموم بازیهای میدانی معمول است با «شیر یا خط» یا بطریقی که در بازی «طاق یا جفت» متداول و معمول است ابتدای بازی را تعیین و شروع میکنند ۱.

۱ - مؤلف فرهنگ جهانگیری که در سال ۱۰۱۷ هجری تألیف شده است باین بازی در ضمن کلمه «چالیک» اشاره کرده چنین گوید.

«چالیک» دوباره چوب باشد که اطفال بدان بازی کنند یکی دراز و دیگری کوتاه و آن چوب دراز را بدست بگیرند و چوب کوتاه را بر زمین نهند بنوعی که سر آن اندک (بقیه باورقی در صفحه بعد)

## انواع بازی الك دولك

ج - الك دولك سرسنگی - و آن مطابق (شکل ۲) طوری است که دو سنگ با ارتفاع و فاصله معین از زمین انتخاب کرده یا قرار میدهند و الك را روی آن گذارده سزدولك را با اندازه  $\frac{1}{4}$  یا  $\frac{1}{8}$  (نسبت بطول قامت و دست بازی کن) زیر الك میگذارند و آنرا بفاصله‌ئی که بازیکن انتخاب مینماید بانوك دولك بهوا پرتاب میکنند و پس از پائین آمدن آن با دولك هرچه محکمتر بان زده بطرف دسته مقابل میفرستند.

اگر الكی که از روی سنگ بتوسط دولك بهوا پرتاب میشود در موقع زدن دولك

بان سهو خطا شود و بر زمین بیفتد آنرا اصطلاحاً «يك سوتی» میگویند.

«سوتی» قراردادی بین بازیکنان است که هر بازیکن تا چند «سوتی» حق دارد یعنی هر بازی کن اگر خطا کرد چند نوبت با و حق داده میشود که عمل بازی خود را تکرار نماید و بیسازي ادامه دهد. معمولاً آنها که در بازی مبتدی هستند تا سه سوتی و برای بازیکنانی که تمرین بیشتری دارند يك سوتی بر طبق قراردادی که در اول بازی بین دو دسته معاهد میشود حق بازی داده میشود و ادریش از حق خود «سوتی



شکل ۲

شد» یعنی خطا کرد از بازی محروم و مرده محسوب و دیگری از همان عده جانسین او میشود.

(بقیه حایه صفحه قبل)

از زمین بلند باشد و آن چوب دراز را بر سر آن چوب کوتاه نهند بنوعی که از زمین بلند شود و باز در هوا ضربتی برو بزنند چنانچه دور افتد و در بعضی از بلاد «لاوه» و «دسته پتک» نیز گویند و در هندوستان «کلی دنده» خوانند مولوی معنوی فرماید:

«فلیست سخن گفتن مز دیست خمش کردن تورستم چا لاکئی نی رستم چالیسکی

[بقیه در زیر صفحه بعد]

الکی که توسط دولک برای زدن از روی سنگ بهوا پرتاب میشود چنانکه کج رود یا بچرخد و طوری باشد که مورد پسند بازیکن نباشد دولک را بان تزد

هم او گوید :

که تاج سلطانان شوم که مکر شیطانان شوم

که عقل چایلاکی شوم که طفل چالیکی شوم

و نیز در ذیل کلمه « غوگ چوب » چنین گوید :

دو چوب باشد که کودکان بدان بازی کنند یکی بمقدار يك وجب و دیگری دراز بمقابل يك گز و آنرا در بعضی از ولایتها « دسته چلک » و « چالیک » نیز گویند و بهندی « کلی دنده » نامند .

در برهان قاطع نیز در ذیل لغت « چالیک » اشاره باین بازی کرده چنین گوید :  
 « چالیک بر وزن باریک دو بارجه چوب است که اطفال بدان بازی کنند یکی دراز بقدر سه وجب و دیگری کوتاه بمقدار يك قبضه و هر دو سر چوب کوچک و تیز میباشد و چوب دراز را بدست گیرند و چوب کوتاه را بر زمین نهند بنوعی که یکسر آن از زمین بلند باشد و چوب دراز را بر آن زنند بمنوانیکه بر هوا جهد و باز در هوا ضربتی بدان زنند چنانکه دور افتد و عرب چوب بزرگ را مقلاة و چوب کوچک را قله گویند .  
 بنظر دانشمند معظم آقای علی اکبر دهخدا « دوالک بازی » مأخذ و ریشه‌الک دولک است و مجازاً بمعنی مکر و فریب نیز آمده .

صاحب فرهنگ جهانگیری برای « دوال » یا « دویال » پنج معنی آورده باینقرار :  
 ۱ - تا سه ۲ - چرم حیوانات ۳ - زمرد ۴ - مکر و حیل ۵ - شمیر  
 و آنگاه در ذیل لغت « دوالک بازی » میگوید : « دوال » بازی باشد ناصر خسرو گوید :

ای منافق یا مسلمان باش یا کافر بدل چونت باید با خداوند این دوالک باختن  
 و امیر خسرو نظم نماید :

رو برو چون شدند هر دو بناز هر دو جمیع افکنان دو الک باز  
 صاحب فرهنگ سروری گفته است : « دوالک » مصغر دوال و نیز دوالبکه با آن قمار بازی کنند ،

امیر خسرو فرماید :

بسم بوس براققت عرشیان محتاج و فتراسکت

بدست آویز آن مشتکی دوالک باز آویزانت

پس ممکن است دوالک بازی لمبی باشد که با تسمه نمایند و آنرا باصطلاح

امروزه در طهران « طرنا بازی » نامند .

«تیر می‌کند» (شکل ۳) و میتواند از نوالك را روی سنك گذارده ادامه دهد این عمل خطا و سهوی یعنی «سوتی» محسوب نمیشود و بازی کن حق دارد بدون هیچ جریمه بیازی ادامه دهد. د- الكی که از طرف دسته بالا یعنی عده «حمله کننده» بطرف دسته پائین یعنی دسته



شکل ۴



شکل ۳

«مدافع» فرستاده میشود اگر بزمین بیفتد باید بطرف دولك که در این هنگام از سنك بطرف بازیکن بر روی زمین بطور مستقیم قرار دارد پرتاب شود و باید طوری اندازه گیری ودقت کنند که درست بدولك اصابت نماید (شکل ۴) و در صورت اصابت یک نفر از دسته حمله کننده از حق بازی کردن محروم و باخته محسوب میشود و این اصطلاح را «مردن یا کشته شدن» گویند و میگویند بازی کننده «مرده یا کشته شده است» و باید دیگری از میان آن دسته جاننشین او شود. بازی کنی که بدین طریق میمیرد بتوسط بازی کنی که بعد از او جای او را میگیرد ممکن است زنده شود و آن بدین طریق است که الكی که بتوسط بازی کن بعدی زده میشود و بتوسط طرف مدافع

۱- تیر کردن اصطلاحی است که در مورد اصابت دولك و الك میگویند

بدولک روی زمین پرتاب میگردد اگر بآن نخورد یکی از بازیکنان «مرده یا کشته» طرف بالا را زنده مینماید و این بسته بانتخاب بازیکن است که در حال بازی میباشد و اگر در طرف بالا کسی زنده نماند و تمام کشته یا مرده شوند عده بالا جای خود را بعداً پائین داده و بازی باین طریق بین دو دسته حریف متقابل گردش میکند.

۵ - مردن یا کشته شدن حریف مهاجم ممکن است بتوسط عمل دیگری که اصطلاحاً آنرا «بل» میگویند بدون اصابت الك بدولک انجام پذیرد یعنی الکی که بتوسط بازیکن زده میشود و در هوا معلق است در صورتیکه هنوز بزمین نرسیده باشد و یکی از بازیکنان طرف مدافع آنرا با دست یا دامن بگیرد «بل» میشود (شکل ۵) و بدینطریق برطبق قرار دادی که در اوّل بازی بسته شده است تمام دسته

بازیکنان در طرف بالا «حملهکننده» یا فقط بازیکنی که بل داده است از بازی محروم و جای خود را بدسته پائین «مدافع» یا بدیگری خواهد داد.

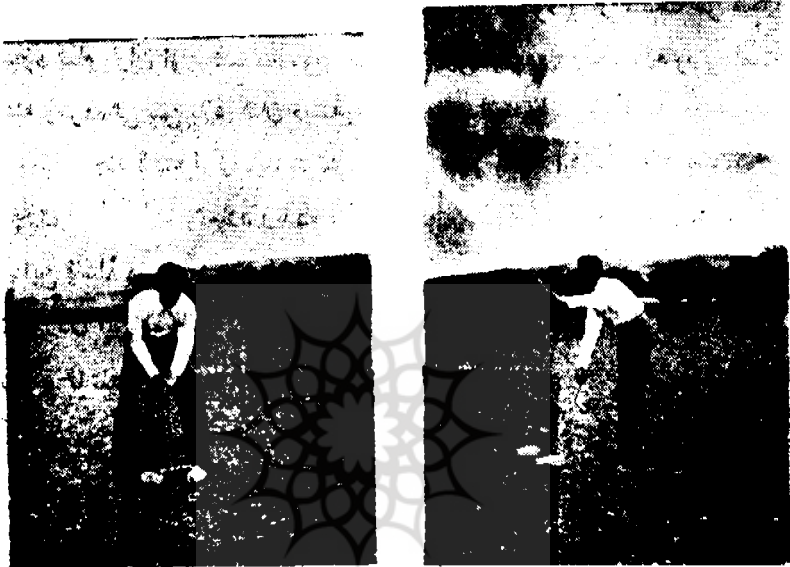
در بعضی بازیها در صورتیکه الك یک نوبت بزمین خورد و بل گرفته شد کسی که آنرا بل گرفته میتواند هفت قدم بطرف سنگ «سر محل» جستزده و پس از آن در فاصله نزدیکتری که احتمال اصابت بیشتر است الك را درست بطرف دولک پرتاب کند و اگر هفت قدم فاصله از دولک گذشت دیگر احتیاجی پرتاب الك و زدن آن بدولک ندارد و بازیکنان



شکل ۵

از بازی محروم و کشته میشوند. این عمل را اصطلاحاً «بل هفت قدمی» گویند. در بل هفت قدمی فقط بازیکن که بل داده در صورت خوردن الك بدولک از بازی محروم میشود و دیگران میتوانند بازی خود ادامه دهند.

و - الك دولك سردستی - این بازی هم بطریق فوق عمل میشود، منتهی چون بازیکنان از حیث قوه و قدرت جسمانی و تمرین ضعیف هستند و مهارت بازی سرسنگی را ندارند بآدم را بهوا پرتاب کرده با دولك بآن میزنند این بازی مخصوص اطفال و کودکانی است که تازه بیازی آمده و مبتدی هستند (شکل ۶).



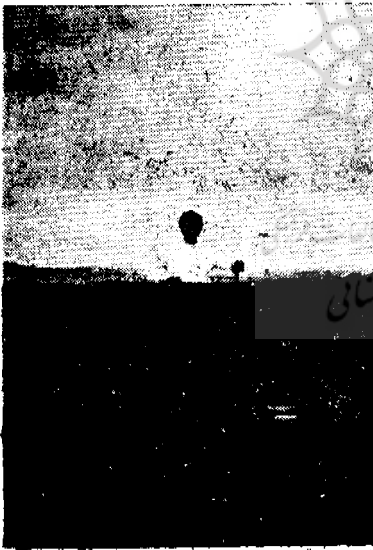
شکل ۶ - پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی - شکل ۷

ز - الك دولك زونی - این نوع بازی بسیار شیرینی است و با آداب و ترتیبی خاص عمل میشود. دوسنگ بازی را بطرف مدافعین قرار داده الك را روی آن میگذارند و با دولك پشت آن گذاشته با زور دست پرتاب میکنند و بیائین میفرستند (شکل ۷).

در این بازی پس از پرتاب الك بولك را بروی زمین نمیگذارند بلکه بازیکن آن را در دست میگیرد و الك بطرف سنگ پرتاب میشود، بازی کن یا بد با دولك آن را بزند و لا اقل بفاصله یک دولك از سنگ سر محل دور کند و اگر «مرده یا کشته» و از بازی کردن محروم میشود.

طریقه بردن بازی - در این بازی الزامی نیست که تمام بازی کنان دسته بازی نمایند و اگر یکی از بازی کنان قسمت بالا «حمله کننده» توانست که بعده معهود و معین برسد یاران خود را برنده خواهد کرد یعنی اگر بتواند در موقعیکه الك بطرف سنگ سر محل پرتاب میشود آنرا با دولک تا طول ده دولک (که اگر دولک را ۷۵ سانتیمتر حساب کنیم تمام آن فاصله هفت متر و نیم میشود) از سنگ سر محل دور سازد تمام یاران او برنده محسوب میشوند. این طول ده دولک در صورتی است که کشته و مرده نمی بین بازی کنان دسته بالا وجود نداشته باشد زیرا که در صورت وجود یک یا چند کشته اول باید بترتیب هر عمل بازی آنها را «زنده» کند بعد برای بردن بازی فاصله ها را بشمارد و تا ده فاصله برای بردن بازی جمع حاصل کند.

این فاصله ده دولک ممکن است بتدریج یا یک دفعه تحصیل شود، پس از بدست آوردن این ده فاصله دولک هریک از بازی کنان دولک را با دست بالک



شکل ۸

می زنند و تا تعدادیکه بتوانند عمل میکنند و هریک بنوبت خود از سنگ سر محل تا مسیری که برای این کار از میدان بازی انتخاب میشود بتعدادی که زده است باو برای بازی حق داده میشود که با هر دست یعنی یکی با دست راست یکی با دست چپ مسافتی را که بتواند بزند (شکل ۸) و پس از آنکه تمام یاران او این عمل را انجام دادند عدده مدافع باید «زوبکشند» یعنی نفس را در سینه حبس کرده و این شعر یا ترانه دیگری را بخوانند و بطرف سبک سر محل بدوند.

ترانه متداول در طهران چنین است:

الکم دولکم چرخ و فلکم نان ونمکم عانی زو.....»



و باید در بین خواندن و دویدن نفس نکشند چه کشیدن نفس بازی کن مدافع را از خواندن و دویدن محروم میسازد و حق او تمام میشود و باید جای خود را بدیگری بدهد و چون عده ای که زو میکشند نتوانند این فاصله را تا سنگ سر محل تمام طی نمایند باید بیازیکنان حمله کننده «کولی» بدهند یعنی هر یک از بازی کنان مدافع باید یکی از بازی کنان حمله کننده را بر پشت خود سوار کرده بطرف سنگ سر محل ببرد و این سواری را کولی دادن مینامند. پس از ختم بازی و زو کشیدن و کولی دادن دسته مدافع جای حمله کننده را گرفته از پامین بیلا می آیند و باین ترتیب بازی گردش میکند.

معمولاً وقتی که عده مدافع قبلی پس از کشیدن «زو» و دادن «کولی» برای بازی کردن بطرف بالا میروند این شعر را میخوانند: «الک سر بله دولک چشم انتظاره».



نگارنده این سطور در ضمن مسافرتها بیکه بنقاط مختلف کشورهای فارسی زبان نموده اسامی این بازی را که در هر شهر و دیار نامی جداگانه دارد یاد داشت کرده، اینک آنها را در فهرست ذیل بمرض خوانندگان میروساند و برای آنکه در تلفظ آن اشتباهی روی ندهد ذیلاً املاهای آنها هم بخط لاتین ثبت میشود:

۱- طهران	الک ۱	دولک ۲
۲- شیراز	چلک ۳	مسته ۴
۳- لار	لکر ۵	دار ۶
۴- اصفهان	پل ۷	چفتک ۸
۵- کرمان	چفته بازی ۹	
۶- مازندران	ارچه ۱۰	خلوف ۱۱

۲ چو	۱ اله	۷- بروجرد و همدان
۴ جنبه	۳ لو	۸- مشهد
چوبیا	۵ گال	۹- نیشابور
	۷ تیمار بازی	۱۰- گیلان
	۸ المک بازی	۱۱- بیرجند
۱۰ کان	۹ الو	۱۲- کردستان - سنندج
۱۲ دسته	۱۱ پیل	۱۳- تبریز
۱۴ بی	۱۳ امی	۱۴- بهبهان
۱۶ کونه	۱۵ هلا	۱۵- سمنان
چنیش	الا	۱۶- قزوین
چوچکان ۱۸	الکان ۱۷	۱۷- کابل
۲۰ جنبه	گال ۱۹	۱۸- هرات
۱۹- دره مالک آسیای مرکزی تاشکند - بخارا - خجند - سمرقند : چیلی -		

چلک - چيله بازی ۲۱ .

این اختلاف اسامی نشان میدهد که قبل از آنکه زبان فارسی بصورت ادبی ملی در آید مردمان از ازمینه قدیم باین بازی عادت و در لهجه های محلی خود نامی رایج آن داشته اند و این اسامی که تا کنون باقی مانده خود بهترین دلیل بر قدمت و سخنی این بازی است ۲۲

Ala - ۲ Choo - ۳ Lou - ۴ Chonbé - ۵ Gal - ۶ Choob - ۷ Patimarbazi -  
 Alakan - ۹ Alou - ۱۰ Kan - ۱۱ Pil - ۱۲ Dasté - ۱۳ Bi - ۱۴ Ami -  
 He - ۱۶ Kouté - ۱۷ Alakan - ۱۸ Choochacan - ۱۹ Gal - ۲۰ Chombé -  
 Chily - Chalak - Chilé

-- کلمات ذیل نیز از یادداشتهای دانشمند معظم آقای دهندا برای همین لغت

لاله ، دوداله ، گالجنبه ، یله ، بنه برب ، لاولازی ، دودله ، دسته پل  
 چلک بازی ، غوک چوب ، دستپلک ، دستچالیک . الا پیش